

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۹۹

موضوع کلی: فصل فی ما یتوقف علی الغسل من الجنابة

مصادف با: ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۲

موضوع جزئی: امور متوقف بر غسل جنابت - امر ثالث: روزه ماه رمضان و قضای آن

جلسه: ۶۸

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که در رابطه با مورد سوم از امور متوقف بر غسل جنابت (روزه ماه رمضان و قضای آن) چهار مسأله مطرح است؛ مسأله اول، در جواز یا عدم جواز بقاء با حالت جنابت تا طلوع فجر در ماه رمضان است، به این معنا که آیا جایز است که شخص در ماه مبارک رمضان با حالت جنابت تا طلوع فجر باقی بماند یا جایز نیست؟

عرض شد که دو دسته از روایات در این رابطه وارد شده‌اند که دسته اول، دو طایفه‌اند که طایفه اول در رابطه با نسیان، یعنی در رابطه با بقاء جنابت تا طلوع فجر از روی نسیان و طایفه دوم در رابطه با عمد، یعنی در رابطه با بقاء جنابت تا طلوع فجر از روی عمد وارد شده‌اند. روایات دسته اول در جلسه گذشته ذکر شدند. دسته دوم، روایاتی هستند که بر عدم اعتبار غسل جنابت در روزه ماه رمضان دلالت دارند و از آنها استفاده می‌شود که بقای عمدی بر جنابت تا طلوع فجر، مشکلی ایجاد نمی‌کند و روزه شخص صحیح است.

### روایات دسته دوم

**روایت اول:** صحیحہ ابی سعید قَمَاط: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ؛ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّنْ أَجَنَّبَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَنَامَ حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ: «لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ جَنَابَتَهُ كَانَتْ فِي وَقْتٍ حَلَالٍ»<sup>۱</sup>.

این روایت از جهت خواب دوم و عدم خواب دوم، مطلق است و معلوم نیست که منظور از خواب، خواب اول است یا خواب دوم، مراد است و چون مطلق است این اطلاق، به مقتضای اخبار متعددی که وجود دارند به خواب اول مفید می‌شود، به این معنا که منظور روایت، خواب دوم نیست، بلکه منظور این است که اگر خواب اول تا طلوع فجر استمرار پیدا کرد مشکلی ندارد و لذا اگر خواب دوم باشد، یعنی شخص بعد از جنابت بخوابد و بیدار شود ولی غسل نکند و دوباره بخوابد و خوابش تا طلوع فجر استمرار یابد، باید قضای روزه آن روز را به جای آورد، بلکه به مقتضای روایت موثقہ ابی بصیر که در جلسه گذشته ذکر شد [عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ أَجَنَّبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ ثُمَّ تَرَكَ الْغُسْلَ مُتَعَمِّدًا حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ: «يُعْتَقُ رَقَبَةً أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِينًا»، قَالَ: وَ قَالَ: «إِنَّهُ حَقِيقٌ أَنْ لَا أَرَاهُ يُدْرِكُهُ أَبَدًا»<sup>۲</sup>].، کفارہ نیز بر او واجب می‌شود. پس روایت صحیحہ ابی سعید قَمَاط با روایات دسته اول معارض نیست.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، کتاب الصوم، أبواب ما یمسک عنه الصائم و وقت الإمساک، باب ۱۳، ص ۵۷، ح ۱.

۲. همان، باب ۱۶، ص ۶۳، ح ۲.

البته بعضی گفته‌اند که صحیح‌ه ابی سعید قَمَاط مطلق نیست، بلکه منظور، خواب اول است چون معنای قول سائل که گفته است «فنام حتی أصبح» این است که خواب شخص جنب تا طلوع فجر استمرار پیدا کرده است که در این صورت نیازی به مقید کردن روایت، به خواب اول نیست و لذا اصلاً تعارضی بین این روایت و روایات دسته اول پیش نمی‌آید.

**روایت دوم:** عَنْ الْعِيسَى بْنِ الْقَاسِمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَنَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَحْتَلِمُ ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ، قَالَ: «لَا بَأْسَ»<sup>۱</sup>.

این روایت صحیح‌ه، هرچند به خواب دوم مقید شده است، لکن از جهت دیگری مطلق است و آن از جهت زمان احتلام است چون بین احتلام در شب و احتلام در روز تفاوت وجود دارد و در این روایت نیامده است که احتلام، در شب اتفاق افتاده است لذا ممکن است که احتلام در روز واقع شده باشد که در این صورت، مشکلی ایجاد نمی‌کند و روزه باطل نمی‌شود، هرچند که شخص بعد از احتلام بیدار شود و دوباره بخوابد، چون روایات دسته اول بر وقوع احتلام در شب دلالت دارند لذا این مورد را شامل نمی‌شوند، پس بین این روایت با روایات دسته اول تعارض نیست چون ممکن است که این روایت به خواب روز اختصاص داشته باشد و حکم این است که احتلام در روز ماه رمضان روزه را باطل نمی‌کند.

**روایت سوم:** عَنْ عِيسَى بْنِ الْقَاسِمِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ أَجْنَبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَأَخَّرَ الْغُسْلَ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ، قَالَ: «يُتِمُّ صَوْمَهُ وَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ»<sup>۲</sup>.

این روایت نیز با روایات دسته اول معارض نیست چون این روایت از ناحیه اصل خواب و عدم خواب مطلق است تا چه رسد به اینکه خواب دوم را شامل شود چون در این روایت، سؤال از شخصی است که در ماه رمضان و در اول شب جنب شده است و آن شخص غسل را تا طلوع فجر به تأخیر انداخته است و سخنی از اینکه در خواب جنب شده یا در بیداری جنب شده است به میان نیامده است. بنابراین، بین این روایت و روایات دسته اول تعارضی نیست و به مقتضای روایات دسته اول، این روایت به خواب اول مقید می‌شود، در نتیجه، بقای جنابت تا طلوع فجر که مشکلی ندارد، مربوط به خواب اول است و گرنه اگر شخص جنب از خواب بیدار شود و بدون اینکه غسل کند، دوباره تا طلوع فجر بخوابد، روزه‌اش مشکل دارد و باید قضای آن را به جا آورد.

**روایت چهارم:** فِي الْمُقْنَعِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ أَجْنَبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ أَخَّرَ الْغُسْلَ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، فَقَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُجَامِعُ نِسَاءَهُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ وَلَا أَقُولُ: كَمَا تَقُولُ هَؤُلَاءِ الْأَقْشَابُ يَقْضِي يَوْمًا مَكَانَهُ»<sup>۳</sup>.

حماد بن عثمان از امام صادق (ع) درباره شخصی که در ماه رمضان و در اول شب جنب شده است و غسل را تا طلوع فجر به تأخیر انداخته است، سؤال کرده است که وظیفه‌اش چیست؟ امام صادق (ع) فرموده است که پیامبر (ص) با زنانش در اول شب جمع می‌شد و غسل را تا طلوع فجر به تأخیر می‌انداخت و من همانند کسانی که خیری در آنها نیست که به جای آن روز یک روز قضای آن را به جا می‌آورند، نمی‌گویم.

۱. همان، باب ۱۳، ص ۵۷، ح ۱.

۲. همان، ص ۵۸، ح ۴.

۳. همان، ص ۵۷، ح ۳.

گفته‌اند که از این روایت استفاده می‌شود که اگر کسی در ماه مبارک رمضان از روی عمد غسل جنابت را تا طلوع فجر به تأخیر اندازد، روزه‌اش صحیح است و لازم نیست که آن را قضا کند و لذا این روایت با روایات دسته اول معارض است، لکن عرض می‌شود که تعارضی بین این روایت و روایات دسته اول نیست زیرا؛

اولاً؛ باقی ماندن بر جنابت تا طلوع فجر، از طرف پیامبر اکرم (ص) با این مطلب که نماز شب بر پیامبر (ص) واجب بوده است، منافات دارد زیرا لازمه آن، این است که پیامبر (ص) نماز شب را که بر او واجب بوده است، ترک کند یا با جنابت بخواند؛ در حالی که نماز شب مشروط به طهارت است و بعید است که گفته شود که پیامبر (ص) نماز شب را با تیمم می‌خوانده است چون «کان» بر استمرار دلالت دارد، یعنی پیامبر معمولاً غسل جنابت را تا طلوع فجر به تأخیر می‌انداخته است و این از پیامبر (ص) بعید بوده است که اکثر اوقات نماز شبش را با تیمم بخواند.

ثانیاً؛ همان‌گونه که گفته شد، تعبیر «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُجَامِعُ نِسَاءَهُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ» که در روایت مذکور، آمده است، ظهور در استمرار دارد و از آن استفاده می‌شود که عادت پیامبر (ص) این بوده است که معمولاً غسل جنابت را تا طلوع فجر به تأخیر می‌انداخته است، در حالی که التزام به این سخن صحیح نیست چون تأخیر غسل جنابت تا طلوع فجر از جانب پیامبر (ص) نوعی منقصدت برای ایشان محسوب می‌شود. بلکه اگر خیلی کم و آن هم به صورت اتفاقی باشد، ممکن است قابل توجیه باشد، اما اینکه گفته شود که عادت پیامبر (ص) بر این بوده است که معمولاً غسل جنابت را تا طلوع فجر به تأخیر می‌انداخته است، نقص برای ایشان محسوب می‌شود و اگر گفته نشود که چنین کاری برای پیامبر (ص) حرام بوده است، لاًقل مکروه بوده است و از شخصیتی مثل پیامبر (ص) انجام عمل مکروه سر نمی‌زند چون پیامبر (ص) در بالاترین مرتبه عصمت و طهارت است لذا عمل مکروه انجام نمی‌دهد.

**بحث جلسه آینده:** ادامه بحث، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»